

# حاکمیت قانون

## شرط انسجام انقلاب

قانون هر انقلاب مردمی است که در دوران بلافصل پس از پیروزی نتواند در چارچوب "قانون" عمل کند. این انقلاب‌ها، لاعلاج نظم ضد مردمی نظام پیشین را در هم می‌ریزند، بی آن که هنوز به استقرار نظم نوین انقلابی در سایه قانون که طبعاً به زمان نیاز دارد، توفیق یافته باشند. در نتیجه در این دوران گذار، وجود برخی زیاده‌روی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، هرج و مرج‌ها و حق‌کشی‌ها ناگزیر است، که نباید آن‌را به ذات انقلاب منسوب ساخت، نباید آن‌را بزرگ کرد و به تبلیغ سوء در باره آن پرداخت، نباید زیر پرچم مخالف خوانی رفت و مهر محکومیت بر پیشانی انقلاب کوبید. شیوه صحیح برخورد آن است که کمک کرد تا انقلاب دوران حکومت "بی قانونی" را هرچه کوتاه‌تر از سر بگذرانند، کمک کرد تا "بی قانونی" به قانون دائمی انقلاب بدل نشود و انقلاب در آفرینش قوانین ویژه خود برای دفاع از استقلال و حاکمیت کشور، آزادی و تعمیم عدالت اجتماعی به سود طبقات و اقشاری که آن‌را به پیروزی رسانده‌اند، توفیق یابد.

انقلاب مردمی ما پس از احراز پیروزی از نظر رعایت تام و تمام موازین قانونی با مشکلات عینی رو به‌رو شد:

— در مواردی قانون مشخصی وجود نداشت و ناگزیر می‌بایست برحسب ضرورت و نیازمندی‌های انقلاب عمل کرد. به طور مثال پس از پیروزی،

نهادهای خود جوشی نظیر سپاه پاسداران ، کمیته‌های انقلاب ، دادگاه‌های انقلاب اسلامی ، بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی به اراده مردم و از میان مردم به وجود آمده‌اند ، که قبلا وجود نداشته‌اند و طبعا عملکرد آن‌ها تا وضع قوانین و آیین نامه‌های مدون طبق نیازهای انقلاب و "خودسرانه" خواهد بود . ممکن است در انبوه اقدامات انقلابی و مردمی این نهادها ، این یا آن فرد ، این یا آن گروه ، این یا آن ارگان ، دانسته یا ندانسته مرتکب برخی اشتباهات و زیاده‌روی‌ها شوند ، که بازتاب مطلوب در میان مردم نداشته باشد ، مرتکب بی‌عدالتی‌هایی شوند که پاره‌ای را بیزار کند ، اما این را نباید به حساب کل انقلاب نوشت ، بلکه باید در چارچوب تنگ ندانم کاری‌ها و یا اعمال غرض‌های فردی یا گروهی ارزیابی کرد و آن را به بافت انقلاب نسبت نداد .

— در موارد بسیار قانون وجود داشته ، اما ارثیه نظام ضد مردمی پیشین بوده است . چنین قوانینی در شرایط نوین میرا هستند و قدرت زیست ندارند . مثلا در نظام طاغوت " قانون اصلاحات ارضی " و " قانون تجارت " وجود داشته است ، اما این هر دو قانون در چارچوب حفظ منافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ ، سرمایه‌داران وابسته و سرمایه‌های انحصاری خارجی تدوین شده ، در نتیجه انقلاب وظیفه دارد آن قوانین ضد مردمی را کنار نهد و قوانینی تصویب کند که حافظ منافع توده‌های مردم باشد و امکان غارتگری را از سرمایه بزرگ داخلی و خارجی بگیرد . روشن است که تا تصویب این قوانین دست سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ باز خواهد ماند ، تا حقوق مردم محروم را همچنان نقض کنند . اما این موقت و گذراست و چون موقت و گذراست ، می‌تواند تحمل پذیر باشد .

اما آن چه هم‌برای تداوم انقلاب و هم برای مردم تحمل ناپذیر است ، آن است که " بی‌قانونی " قانون انقلاب شود ، دوران گذار به درازا کشد ، آن چه " موقت " باید باشد ، جنبه " دائم " به خود بگیرد و قوانینی که زاییده انقلاب و مولود شرایط نوین انقلابی هستند ، به عمل در نیایند . نشانه‌هایی از چنین بیم و نگرانی در نتیجه نادیده گرفتن قوانین از سوی برخی افراد ، نهادها و گروه‌ها ، زمانی در قلب امام خمینی رهبر انقلاب پدید آمد ، که سال ۶۰ را " سال قانون " اعلام کردند و همه دولتمردان ، نهادها ، و گروه‌ها و مردم را به رعایت قانون ، عدم تخطی از موازین قانونی و اجرای بی‌خداشه قانون اساسی جمهوری اسلامی دعوت کردند .

---

## چه کسانی مانع از حاکمیت قانون می‌شوند؟

---

متأسفانه دو جریان از دو سو مانع از حاکمیت قانون در کشور شده‌اند: جریان اول از سوی ضد انقلاب و به تعبیر دقیق رئیس مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی "دشمنان آگاه" رهبری می‌شود که به هیچ‌رو مایل نیستند انقلاب در مسیر نظم و قانون راه بسپرد. اینان به کمک عوامل نفوذی خود در ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی، قوانین جمهوری را نقض می‌کنند. با قانون شکنی‌های خود سیمای زشت و ناخوش‌آیندی از انقلاب به دست می‌دهند و دم به دم ناراضی‌تراشی می‌کنند. مقصد آنست که هرج و مرج و بی‌قانونی و حق‌کشی مردم را عاصی کند، از انقلاب روی برتابند و پایگاه مردمی انقلاب تنگ‌و تنگ‌تر شود، تا هدف شوم آنان که مسخ انقلاب از درون است تحقق یابد.

جریان دوم متأسفانه از سوی "دوستان نادان" انقلاب است. این گروه جهال، واقعا هم دوست انقلابند و توفیق و پیروزی انقلاب را می‌خواهند. اما جهل و تعصب و ناآشنایی به شرایط کشور و جهان و زمان و مکان آنان را به اعمال و اقداماتی وا می‌دارد، که نتیجه، آن جز آب ریختن به آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب نیست. تعصب و کوردلی اینان با اغراض "دشمنان آگاه" انقلاب در مصیبتی به هم می‌پیوندد و انقلاب را در سیلابی به پیش می‌راند که پایان آن نابودی است.

---

## قانون شکنی ابعاد وسیعی یافته است

---

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم خود بر "محور گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی" تأکید کرده است. این اصل به ویژه باید الگوی کار قوای مقننه و اجراییه قرار گیرد تا قانونی برخلاف قانون مادر به تصویب نرسد و گامی در راه نقض قوانین کشور برداشته نشود. متأسفانه در عمل نه تنها این اصل مهم قانون اساسی مورد نظر قرار نگرفته، بلکه در راه نقض آن از سوی عناصر غیر مسئول و حتی از سوی برخی از مسئولان گام‌های بلندی برداشته شده است. کار انحصار-طلبی و خودکامگی و خودمحوری به آن جاکشیده که برای عناصر دگر-

اندیش ، از جمله مذهبی " غیر مکتبی " فقط حق نفس کشیدن باقی مانده است و سایر حقوق آنان با بهانه‌های مختلف تزییع شده است . نمونه‌ها بسیارند :

قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت احزاب ، جمعیت‌ها ، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده را قانونی می‌شناسد ، به شرط آن که اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی ، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند . (اصل ۲۶)

طبق این اصل هر حزب و جمعیت که اساسنامه و عملکردش حفظ استقلال و آزادی و وحدت ملی باشد ، علیه اسلام تبلیغ نکند و به نظام جمهوری اسلامی وفادار بماند ، منطقی باید امکان فعالیت علنی و قانونی یابد . اما در عمل اجرای این اصل مهم با مشکلات بسیار روبه‌رو شده ، مشکلاتی که منبعت از اقدامات تخریبی عناصر ضدانقلاب و یا ازخواست‌های فردی و گروهی محافل قشری و انحصارطلب است . یکی معتقد است فقط احزاب و گروه‌های مورد نظر او حق فعالیت سیاسی دارند و نه احزاب دیگر ، دیگری می‌گوید در این کشور جایی برای فعالیت احزاب و جریان‌های دیگر- اندیش ، ولو مذهبی نیست ، سومی اظهار نظر می‌کند که نه فقط احزاب متعدد سیاسی لازم نیست ، بلکه تشکل‌های صنفی هم ضرورت ندارد و در هر کارخانه و اداره و کارگاهی که شوراهای اسلامی فعالیت دارند ، وجود انجمن‌های صنفی غیر لازم و فعالیت آنها غیر قانونی است .

خوب ، اگر قانون اساسی که بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب ، شمره بحث-ها و محاورات طولانی نمایندگان منتخب مردم است و ۱۶ میلیون نفر امضاء خود را پشتوانه آن کرده‌اند ، چنین قضدی داشت ، می‌توانست با صراحت بگوید که فقط احزاب متعلق به مسلمانان مکتبی حق فعالیت سیاسی دارند و لاغیر ، می‌توانست در ماده ۱۰۴ که بر ضرورت تشکیل شوراها تاکید می‌کند ، وجود انجمن‌های صنفی را غیر لازم بداند .

فرد یا گروهی که به خود جزات می‌دهد حتی قانون اساسی را به میل خویش تعبیر و تفسیر کند و آن را از محتوای واقعی تهی سازد ، اگر " دشمن آگاه " نباشد ، بی تردید " دوست نادان " است . زیرا با اقدامات غیرقانونی خود ، انقلاب را به بازی گرفته و محتوای دموکراتیک و مردمی آن را نادیده انگاشته است .

قانون اساسی می‌گوید : " نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند ، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد . " (اصل ۲۴) طبق این اصل هر روزنامه و مجله و نشریه‌ای مادام که این اصول را زیر پا نگذارده و حقوق عمومی را نقض نکرده است ، در بیان عقاید خود آزاد

است . اما به عیان می بینیم که نشریات احزاب وفادار به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بدون هیچ دلیل قانونی و حتی بدون طی مراحل قانونی توقیف شده اند .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایجاد امنیت قضایی را از وظایف حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داده است . اما دست هایی چه در صف " عناصر غیر مسئول " و چه از سوی برخی از عناصر مسئول می کوشند تا با اقدامات خود " امنیت قضایی " مردم مومن به انقلاب را متزلزل کنند .

امام خمینی در آغاز سال ۶۰ برای چندمین بار صف کسانی را که مسلحانه در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران ایستاده اند و آنان که پشتیبان انقلاب هستند از هم جدا نمودند و با صراحت درباره آزادی فعالیت احزاب و سازمان های صرفا سیاسی اظهار نظر کردند . امام گفتند :

"... ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمی کنیم . معذالک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند ، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد . پس بدانید که ما این طور نیست که با احزاب دیگری ، با گروه های دیگری دشمنی داشته باشیم ... مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند به طور آزاد دارند عمل می کنند و به طور آزاد حرف های خودشان را دارند می زنند ."

اما این بیان منطقی و صریح امام خمینی مانع از آن نشد که " دشمنان آگاه " و " دوستان نادان " دست از توطئه علیه احزاب و گروه های سیاسی پشتیبان انقلاب بردارند .

اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب اسلامی که یادگار شهید قدوسی است ، فعالیت احزاب و گروه ها را در بیان آراء و افکار سیاسی خود آزاد شناخته است ، به شرط آن که مبتنی بر دروغ و تهمت و تحریک نباشد . این اطلاعیه برای تمام احزاب و گروه هایی که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران نکرده اند ، این حق را منظور داشته تا با استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بحث های عقیدتی و سیاسی شرکت کنند . ماده ۱۰ همین اطلاعیه ، دستگاه های انتظامی را به رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه هایی که فعالیتشان از طریق مقامات مسئول مملکتی غیر قانونی اعلام نشده ، موظف ساخته است . ولی اکنون چه کسی جوابگوی نقض اطلاعیه ده ماده ای به وسیله برخی مقامات مسئول است ؟ علیرغم آن که وزیر کشور آقای ناطق نوری اطلاعیه ده ماده ای را تا اجرای قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها که هنوز در انتظار تدوین آیین نامه مربوطه است ، قانونی و معتبر شناخته است .

تامین امنیت قضایی متکی بر قوانین انقلابی شرط حتمی تثبیت و تحکیم انقلاب است. باید افراد مطمئن شوند که سرنوشت کار و زندگی و فعالیت اجتماعی و سیاسی‌شان تابعی از هوی و هوس‌های فردی و گروهی نیست، بلکه قانون است که مناسبات آنان را با افراد جامعه و نهادهای آن تعیین می‌کند. در غیر این صورت اگر قرار باشد افراد به فردای خود مطمئن نباشند، و آینده خود را متزلزل ببینند، این بی‌اعتمادی و تزلزل به کل جامعه سرایت خواهد کرد و مانع از تثبیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی انقلاب خواهد شد.

قانون اساسی دولت را موظف می‌کند که: " وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد." اما برخی از مسئولان به خود حق می‌دهند که جوانان مومن انقلابی را حتی در سال‌های آخر پزشکی هم به گناه " دگراندیشی " از دانشگاه اخراج کنند یا اصلاً به دانشگاه نپذیرند، بی آن که به سرنوشت این جوانان و صرفه مردم و کشور بیندیشند، علیرغم آن که امام خمینی، آیت الله منتظری، رئیس جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی به تکرار درباره ضرورت استفاده از متخصصین متعهد و مومن به انقلاب تاکید کرده‌اند. رئیس جمهور در این باره با صراحت می‌گوید:

" عقیده ما بر این نیست که پزشکی به دلیل مکتبی نبودن کناربرود، امروز در ایران داشتن این طرز تفکر غلط است. "

رئیس جمهور می‌افزاید:

" ... جذب‌های نادرست همانقدر غلط است که دفع‌های نادرست " اما کو گوش شنوا؟ " دشمنان آگاه " و " دوستان نادان " هم چنان در کارند تا زیر پوشش " انقلاب فرهنگی " جوانان را نسبت به انقلاب بدبین و مایوس کنند. در حالی که اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی حق تحصیل را منحصر به عناصر مکتبی می‌دانست، با صراحت این مفهوم را در اصول خود می‌پذیرفت.

قانون اساسی " حق کار " را برای همه به رسمیت شناخته است و دولت را موظف ساخته تا برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل را ایجاد نماید. اما کسانی پیدا شده‌اند که قانون اساسی را نپذیرفته و با استفاده از قانون پاکسازی " دگراندیشان " را از کارخانه‌ها، ادارات و موسسات دولتی بیرون می‌ریزند. گویی قانون اساسی عاجز از آن بود که بگوید در این کشور فقط مسلمانان مکتبی حق کار و اشتغال دارند و دولت در قبال دیگران مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرد.

اگر قرار بود " دگراندیشان " نه حق کار و تحصیل داشته باشند و نه حق بیان عقیده و رای و فعالیت سیاسی دیگر اصل سوم قانون اساسی که بر : " مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی خویش " تاکید می کند ، چه معنایی می تواند داشته باشد ؟ دیگر " ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی " که در قانون اساسی بدان تصریح شده چه مفهومی دارد ؟

قانون اساسی بازرگانی خارجی را دولتی اعلام کرده است . اما سه سال است که در این راه کارشکنی می شود و علیرغم خواست پویندگان راه امام خمینی انجام این مهم که با زندگی میلیون ها مردم زحمتکش پیوند دارد ، به عهده تعویق افتاده است و هنوز هم علیرغم تصویب قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی که توفیق بزرگی بود ، اجرای آن دچار سرنوشت نامعلوم است ، زیرا شورای نگهبان مهمترین اصول آن را مخالف موازین شرع تشخیص داده و قانون اساسی از نظر تطابق آن با احکام شرع زیر علامت سؤال قرار گرفته است .

" جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری " از اصول قانون اساسی است . ولی کسانی نه فقط استثمار را بد نمی دانند ، بلکه کارگر را اجیر کارفرما می خوانند و قرار داد کار را که در شرایط جامعه ما استثمارگرانه و حاوی تحمیلات عدیده از سوی کارفرماست ، علامت موافقت کارگردانسته و بعد استثماری آن را نفی می کنند .

قانون اساسی بر قسط و عدل اسلامی تاکید می کند ، باید عدالت اجتماعی در کشور برقرار شود ، تبعیض طبقاتی که ارشیه یک نظام ضد مردمی وابسته است از میان برداشته شود تا چنین نباشد که یکی بر اورنگ تجمل و رفاه نشیند ، و دیگری در اعماق فقر سیاه غوطه خورد ، یکی از سیری بیمار شود و دیگری از گرسنگی بمیرد ، یکی عواید مشروع و نا مشروعش از حساب خارج باشد و دیگری آه نداشته باشد که با ناله سودا کند ، یکی دهها واحد مسکونی را مالک شود و دیگری سرپناهی نداشته باشد که خود و خانواده اش را سکنی دهد .

انقلاب تلاش فراوان کرده است که قسط و عدل اسلامی در کشور حاکمیت یابد . اما این تلاشها همواره با صخره صمای حامیان نظام سرمایه داری و زمینداری بزرگ و طرفداران ضرورت وجود طبقات زبردست و فرو دست در جامعه ، چه در لباس لیبرال و چه در کسوت روحانی نما ، چه سلطنت طلب ، چه مزدور امپریالیسم برخوردار کرده و در نتیجه تمام اقداماتی که باید در راه دگرگونی شرایط نامطلوب زندگی زحمتکشان انجام شود ، تا کنون ترمز شده است .



قانون اساسی دستاورد عظیم انقلاب ضد امپریالیستی ، ضد استبدادی و مردمی ما و حاصل مبارزه مستمر میان امپریالیسم و سلطنت مطلقه از یک سو ، و نیروهای مترقی میهن دوست از سوی دیگر ، طی سالیان طولانی است . قانون اساسی تثبیت ثمرات این مبارزه است که پس از وارد آوردن ضربات غرور آفرین بر رژیم وابسته استبدادی ، سرانجام به محو آن توفیق یافت . امام خمینی در اهمیت وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اجرای آن می گویند .

"مردمی که به قانون اساسی رای دادند ، ملتزم اند که قانون اساسی اجرا بشود . . . همه باید مقید بر این باشید که قانون را بپذیرید و لسو خلاف رای شما باشد ، باید بپذیرید برای این که میزان اکثریت است ."

این بیان صحیح و مدبرانه امام خمینی ، هیچ جایی برای اعمال غرضهای فردی و گروهی باقی نگذاشته است ، همه باید قانون اساسی را بپذیرند و به اجرای آن گردن نهند . اما آن ها که قانون اساسی را ، قانون مورد قبول خود نمی دانند ، به بهانه های گوناگون آن را نادیده می گیرند . برخی از آنان بی آن که صریحا بر زبان آورند ، معتقدند که شرایط کنونی را برای اجرای قانون اساسی مساعد نمی بینند .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مولود انقلاب ضد امپریالیستی ، ضد استبدادی و مردمی است در تمام جهات و ابعاد خود برخاسته از نیازهای انقلابی جامعه ای است که سالها گرفتار یک نظام وابسته ، استبدادی و ضد خلقی بوده است .

بعد استقلال طلبانه انقلاب ایجاب می کند که طبق نص صریح قانون اساسی به سوی گسست کامل از امپریالیسم پیش رویم ، مواضع سرمایه داران بزرگ وابسته و زمینداران بزرگ را در هم کوبیم و اقتصاد مستقل و ملی خود را پی ریزی کنیم . اگر کسی در این میان مدعی شد که چون وابسته بوده ایم ، باید وابسته بمانیم و یا بدون بیان صریح این مطلب زیر پوشش های " قانونی " و " شرعی " خواست رشته های وابستگی به امپریالیسم را به اشکال دیگر حفظ کند ، قانون اساسی را نادیده گرفته و آن را نقض کرده است .

ابعاد ضد استبدادی انقلاب انگیزه ای شد که قانون اساسی برای تمام گروه ها و احزاب مومن به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی حق فعالیت



سیاسی ، حق بهره‌وری از امنیت قضایی قائل شود ، نمی‌شود گفت که چون گروه‌های ضد انقلابی و یا منحرف و بازی‌خورده موجودیت انقلاب را نشانه گرفته‌اند ، نمی‌توانیم حقوق قانونی احزاب پشتیبان انقلاب را رعایت کنیم . این دعوی به هیچ رو پذیرفته نیست .

نظام جمهوری اسلامی ایران زمانی می‌تواند در برابر جبهه ضدانقلاب و بازی‌خورده‌ها تا پایان بایستد که با اتکا به نیروی همه طبقات و افشار مومن به انقلاب ، جبهه متحد انقلاب را به وجود آورده و همه نیروهای انقلابی را برای در هم شکستن جبهه دشمنان بسیج کند . نه آن که با میدان دادن به اقدامات " ناراضی تراش‌ها " هر روز پاره‌ای از پیکر جبهه انقلاب را جدا کند .

انقلاب فقط در سایه اجرای قانون و با شناختن حقوق تمامی شهره‌وندانی که به نظام جمهوری اسلامی وفادارند ، می‌تواند خود را تحکیم و تثبیت کند . باید این سخن ارزشمند امام خمینی آویزه گوش تمام مقامات مسئول کشوری و لشکری باشد و هرگز فراموش نشود . امام گفته‌اند : " همه احزاب و گروه‌ها تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند ، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند ، به طور آزادانه عمل می‌کنند و به طور آزادانه حرف‌هایشان را می‌زنند . "

( از سخنان امام در دیدار با علمای آذربایجان ، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ )  
تخطی از این اصل درست ، به گروه‌های ضدانقلابی ، منحرفین و بازی‌خورده‌ها فرصت می‌دهد تا اقدامات خائنانه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران توجیه کنند و مدعی شوند که در این جمهوری فرقی میان گروه‌های متخاصم و احزاب پشتیبان انقلاب نیست و همه با چوب استبداد رانده می‌شوند .

بعد مردمی انقلاب را که قانون مادر ، یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی به روشنی ترسیم نموده ، باید هر چه زودتر پیاده کرد و نشان داد که جمهوری اسلامی پاسدار حقوق مردم زحمتکشی است ، که زاد بر زاد حرمان‌های ناشی از غارتگری افشار و طبقات انگل و استثمارگر را تحمل نموده‌اند ، باید سرانجام انقلاب بار سنگین محرومیت قرون را از دوش مستضعفان بردارد و زندگی در خورد برایشان تامین کند .

رئیس جمهور خامنه‌ای در ضرورت توجه به زندگی زحمتکشان می‌گوید :  
" اگر بخواهیم در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم ، ناگزیر باید ضمن نگهداشتن مردم در صحنه ، آنها را هم‌چنان معتقد و مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند . "

باید گفته، صریح امام خمینی را که ما نه طرفدار سرمایه‌داران هستیم و نه طرفدار فئودال‌ها تحقق بخشید، به دهقان زمین داد، شرسرمایه‌داران وابسته را از سر مردم کوتاه کرد، حقوق انسانی کارگران زحمتکش را به رسمیت شناخت و سرانجام افشانه‌ای از قسط و عدل اسلامی بر چهره‌های سوخته از محرومیت زحمتکشان پاشید.

---

### با اجرای قانون دشمن را خلع سلاح کنیم

---

قانون اساسی در جمیع ابعاد خود، در جامعه انقلابی ما اجرا شدنی است و نمی‌توان با توسل به معاذیر گوناگون آن را به دست فراموشی سپرد. انسجام انقلاب علاوه بر مبارزه با دشمن داخلی و خارجی به خاطر حفظ دستاوردها، با آموزش "دوستان نادان" انقلاب و رها ساختن آنان از پندارهای زیان بخش و تعصبات مضر نیز ملازمه دارد. این گروه از دوستان نادان انقلاب، می‌توانند برای تداوم انقلاب به همان اندازه زیان آور باشند که گروه‌های ضدانقلابی و یا بازی خورده در قانون شکنی‌های آگاهانه خود. باید به عناصر متعصب آموزش داد و سطح فرهنگ آنان را بالا برد، تا قانون را نادیده نگیرند، باید به آنان ضرورت اطاعت از قانون و رعایت آزادی‌های مصرحه در قانون را برای مردم، آموخت. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

"... از آن جا که ماهیت این انقلاب، ماهیت عدالت خواهانه بوده است، وظیفه همگی ما این است که به آزادی به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا شود حکومت جمهوری اسلامی زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد... هر کس باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد." (از کتاب "پیرامون انقلاب اسلامی" شهید مطهری)

از سوی برخی عناصر برای توجیه قانون شکنی‌ها چنین استدلال می‌شود که: در سال قانون، اگر قانون اجرا نشود، نظم اجرا شد. زیرا بدون نظم هیچ کاری از پیش نمی‌رود. این استدلال نیز مخدوش است. نظمی که متکی به قانون نباشد، زورگویی است و یا زور نمی‌توان جامعه را در روندی سالم اداره کرد. یک نظام عادلانه و مردمی که حمایت توده‌های زحمتکش را پشتوانه دارد، نیاز به زورگویی ندارد. کافی است که به قانون تکیه کند، تا مشکلات را گام به گام از پیش پا بردارد.

رئیس جمهور خامنه‌ای با توجه به خطری که از سوی نقض قوانین مملکتی دامنگیر انقلاب خواهد شد، به همه توصیه می‌کند که :

" اطاعت محض از قانون دستور روز انقلاب است . در هر کجا که هستید مطیع بی چون و چرای قوانین جمهوری اسلامی ایران باشید و اجرای صحیح و کامل قانون را طلب کنید. آنانی که پا از دایره قوانین جمهوری اسلامی ایران بیرون می‌نهند ، دانسته و ندانسته به دشمنان انقلاب کمک می‌کنند . پس در اجرای تام و تمام قانون از هیاهوی دشمنان و نفاق افکنان نترسید ، آنان مایلند که حکومت قانون خدشه‌دار شود و شما با اجرای قانون دشمن را خلع سلاح کنید. " ( ۱۲ فروردین ۱۳۶۱ ) .

" قانون شکن " ها را در هر لباس و با هر پوشش ، بشناسیم و آنان را از صفوف انقلاب برانیم . برای انسجام انقلاب راهی جز عمل به قانون اساسی و قوانین مردمی نیست .